

پژوهشی در بازشناسی هویت "داریوش" در روایت کتاب حضرت دانیال نبی (ع)

ایمان نوروزی*

چکیده

در کتاب دانیال نبی (ع) "داریوش مادی" نام پادشاهی است که بابل را فتح می‌کند و گروهی از علمای بنی اسرائیل را به شوش می‌آورد تا از آنها در امور ملک‌داری استفاده کند. اما در اینکه این پادشاه مطابق آنچه یهودیان فرض می‌کنند، همان داریوش یکم هخامنشی باشد، حرف و حدیث فراوان وجود دارد. هیچ سند تاریخی بابلی و یا ایرانی‌ای نیز به شخصیتی جز این اشاره نکرده‌اند. هدف پژوهش حاضر دستیابی به تصویر روشنی از شخصیتی است که در این کتاب طرح شده تا در پرتو آن بتوان به هویت واقعی وی نزدیک شد. پژوهشگر با بررسی اشارات متن مورد نظر و اعتبار سنجی ترجمه‌های این متون به روش تحلیلی و نقد نظریه‌های محققان کتاب مقدس به این نتیجه می‌رسد که آوردن نام داریوش در داستان دانیال نبی (ع) یا اشتباهی از سوی نسخه‌بردار کتاب در ضبط نام "داریوش" به جای "کوروش" بوده و یا اصولاً "داریوش" لقبی برای "کوروش" از سوی مردم بابل محسوب می‌شده است. در همین راستا، مسأله دیگری مطرح می‌شود که تعداد نادرست شاهان هخامنشی در این کتاب است. "جبرئیل" به آن حضرت الهام می‌کند که چهار پادشاه پیش از "اسکندر" سلطنت خواهند کرد. این تعداد با تعداد درست شاهان هخامنشی از داریوش (یا کوروش) تا اسکندر به هیچ روی همخوانی ندارد. پژوهشگر نشان می‌دهد که این بار مقصر نه نسخه‌بردار، بلکه شخص نویسنده کتاب است که در زمان رونویسی یک عبارت از کتاب مقدس، واژه "مهمترین" را پیش از عبارت "شاهان پیش از اسکندر" جانداخته و موجب این گرفتاری شده است. پژوهشگر در پایان پیشنهاد می‌دهد که اطلاعات تاریخی به‌دست‌آمده از کتاب مقدس بار دیگر مورد بازنگری و واکاوی قرار گیرند.

واژه‌های کلیدی

داریوش مادی، کتاب دانیال نبی (ع)، تورات، هخامنشیان

بیان مسأله

علی‌رغم پژوهش‌های مفصلی که از قدیم الایام بر روی مندرجات کتب و رسائل مقدس یهودی و مسیحی انجام شده، هنوز جای شک و شبهه فراوان در این آثار به جا مانده است. یکی از این نکات که امروزه محور مناقشات مورخان تاریخ ایران دوره هخامنشی هم شده، زمان ظهور و حیات حضرت دانیال (ع) و به تبع آن تطبیق تحولات سیاسی منتسب به زمان حیات آن حضرت، در کتاب دانیال نبی (ع)، از مجموعه رسائل کتاب مقدس، با تاریخی است که بر اساس مستندات تاریخی کشف شده و حفاری‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی ترسیم کرده‌ایم. علمای یهود ظهور حضرت دانیال را به طور سنتی و به پیروی از آرای قدما، هم‌زمان با دوران حکمرانی داریوش یکم هخامنشی در دربار شوش می‌دانند. این در حالی است که بسیاری از مفسران و محققان کتاب مقدس گمان می‌برند که زمان حیات آن حضرت بسیار پیشتر از این بوده است.

پرسش اصلی این است: شخصی که با عنوان "داریوش مادی" در کتاب دانیال از او یاد شده و بنابر مندرجات همین کتاب، پادشاهی مادی بوده که بابل را فتح کرده است و بنی اسرائیل را از اسارت بابلیان آزاد ساخته، چه کسی بوده است و با کدام یک از سران شناخته شده جامعه آریایی تازه ساکن شده در فلات ایران مطابقت داده می‌شود؟

فرضیه پژوهش

پژوهشگر، بیش از هر چیز، همسو شدن اشتباه نویسنده کتاب دانیال نبی (ع) و ناسخانی که در پی او، از روی کتاب رونویسی می‌کرده و گاه بر مطالب آن می‌افزوده اند، را مایه گمراهی مورخان در تعیین تاریخ دقیق حیات حضرت دانیال (ع) و ارتباط آن حضرت با

پادشاهان ایرانی می‌داند؛ به طریقی که این اشتباه چنان باب شده که تصور اینکه "داریوش" کتاب دانیال نبی (ع) شخصی جز داریوش، شاه بزرگ هخامنشی، است، برای مؤمنین به رسائل کتاب مقدس ناپذیرفتنی است. پژوهشگر می‌کوشد با دلایل کافی و مدارک متقن به تبیین این فرضیه نزدیک شود و "داریوش مادی" را لقبی برای "کوروش پارسی"، شاه بزرگ سلسله هخامنشیان بداند.

هدف پژوهش حاضر

برای تشخیص زمان دقیق حیات آن حضرت و به تبع آن، نقش تصویری دقیق از وقایع آن عصر برای تبیین نظریات تاریخی، شایسته است نخست شخصیت‌هایی که در این روایت نقش کلیدی ایفا می‌کنند، شناسایی شوند. البته، نیازی به توضیح نیست که این امر خطیری است که با مذاقه فراوان و به خدمت درآوردن یافته‌های نوین زبان‌شناسی و تاریخ عملی خواهد شد.

آنچه در پی خواهد آمد، کوششی است در پی بازنمایی و بازشناسی شخصیت "داریوش" در کتاب دانیال نبی تا در پرتو پاسخ به این پرسش اساسی، ابعاد ناگفته و ناشناخته این شخصیت روشن شود. به این منظور، پژوهشگر طیف وسیعی از رسائل مقدس یهودی و تحقیقات مفصلی را که بر پایه این رسائل انجام شده، در پیش روی خود می‌گذارد تا از لابه‌لای سطور آنها، به حل مساله و یا راهکاری که امید حل مساله را در پی داشته باشد، دست یابد.

آرمان بلند مدت پژوهشگر، که طبیعتاً در پی مطالعات گسترده‌تر و بررسی مصادیق بیشتر ایجاد خواهد شد، یافتن الگویی نظری یا دستیابی به نظریه-های قابل اتکا برای بازشناسی شخصیت‌هایی از این دست است.

کلیاتی درباره کتاب حضرت دانیال نبی (ع)

کتاب دانیال نبی (ع) که احوال و سیر حضرت دانیال، یکی از پیامبران بنی اسرائیل را به تصویر می‌کشد، هم بخشی از تورات (تنخ) یهودیان و هم بخشی از "عهد قدیم" مسیحیان است. این کتاب به خامه استادانه نویسنده‌ای ناشناس به زبان عبری و آرامی جامه تحریر پوشیده است و به دورانی از تاریخ قوم یهود می‌پردازد که آنها در پی غارت اورشلیم به دست دژخیمان "نبوکد نصر" (Nebuchadnezzar) (۵۶۲-۶۰۵) در سال ۵۹۷ پیش از میلاد، به بابل تبعید شدند.

کتاب دانیال نبی (ع) دو بخش مجزا را در بردارد: یک بخش آن به شش روایت (فصول یکم تا ششم) و چهار مکاشفه (فصول هفتم تا دوازدهم) می‌پردازد. این روایات تصویری جاندار و پرمایه از وقایع دربار بابل است با محوریت حضرت دانیال و پیروانش (فصل های یکم، سوم و ششم) و همچنین ماجرای چند تعبیر خواب خردمندانه توسط حضرت دانیال (فصول دوم، چهارم و پنجم) را به نمایش می‌گذارد. بخش دوم بازگویی رویاها، مکاشفات و الهامات الهی بر قلب آن حضرت در قالب روایی اول شخص است (تاوونر، ۱۹۹۳: ۱۴۹).

خلاصه‌ای از روایات کتاب دانیال نبی

پس از اینکه اسرای بنی اسرائیل به بابل آورده شدند، علما و نجبگان این قوم به خدمت دربار بابل گماشته شدند. در میان این علما حضرت دانیال نیز حضور داشت. پس از سه سال آن حضرت به عنوان مشاور برگزیده شد و می‌گویند ده برابر بهتر از تمام مشاوران پادشاهی بابل عمل می‌کرد.

روزی پس از اینکه "بلشَصَّر" (Belshazzar) پادشاه جدید بابل و یارانش از ظرف مقدس معبد

یهودیان نوشید و با این کار به آن معبد بی‌احترامی کرد، دستی غیبی را دید که بر دیوار قصر او جملاتی می‌نویسد. پادشاه که بسیار ترسیده بود، برای ترجمه کلام الهی کسی را به دنبال دانیال نبی (ع) - که در بابل به دانایی و مهارت در تعبیر امور غیبی معروف شده بود - فرستاد. دانیال (ع) فرمود: "خداوند روزهای سروری تو را به پایان رسانده است. ... قلمرو تو میان مادها و پارسیان تقسیم خواهد شد". در کتاب دانیال نبی (ع) آمده است که همان شب "بلشَصَّر" سرنگون شد و "داریوش" شاهی او را به دست گرفت.

شهرت علم و دانایی دانیال موجب شد که او در دربار "داریوش" نیز به مقام مشاوره پادشاه برسد؛ مقامی که طبیعتاً با تصاحب آن مورد رشک و حسد بسیاری قرار می‌گرفت. این درباریان و اشراف که از تعلق خاطر دانیال به پروردگار یکتا آگاه بودند، نزد داریوش رفتند و فریبکارانه از او خواستند فرمانی صادر کند که برای مدت سی روز پرستش هر خدا و بتی در سراسر قلمرو پادشاهی ممنوع شود. داریوش نیز این فرمان را صادر کرد.

هنگامی که "داریوش" مشاهده کرد که دانیال علی-رغم فرمان حکومت، باز هم سه بار در روز به سوی بیت المقدس نماز می‌گزارد او را به بند کشید و در قفس شیران انداخت. اما خداوند او را از گزند شیران در امان داشت و صبح روز بعد داریوش حضرت دانیال را صحیح و سالم در کنار شیران یافت (والوورد، ۱۹۸۹: ۱۳۰-۱۵۱).

عدم تطابق روایات کتاب دانیال نبی (ع) با تاریخ هخامنشیان

برخی از مورخان جدید روایات این کتاب را درباره هخامنشیان و پارسیان نادرست و یا لاقول تحریف شده

می‌دانند، زیرا این روایات در موارد متعددی خلاف حقایق تاریخی است. در همین حال "اچ. اچ. راولی"، یکی از محققان برجسته کتاب دانیال، مطالب کتاب یازدهم دانیال نبی (ع) را دقیقترین منبع دست اول درباره حوادث آن دوره می‌داند (راولی، ۱۹۵۹: ۱۵۸).

مسأله اول: مشکل تطابق داریوش کتاب دانیال با داریوش یکم هخامنشی

فصل ششم تا نهم کتاب دانیال نبی (ع) مربوط به فرمانروایی "داریوش مادی" می‌شود. در اینجا آمده است که "داریوش مادی"، فرمانروای ماد، در زمان فتح بابل حدود ۶۲ سال سن داشت. مشکل اینجاست که اگر مبنای تحقیقات خود را بر سالنامه‌های آشوری و استوانه کوروش بگذاریم، اثری از اشغال بابل توسط شخصی مادی (و یا پارسی) پیش از کوروش نمی‌یابیم. آیا این شخص همان داریوش یکم هخامنشی است؟ در کتاب دانیال نبی (ع)، پادشاهی که بابل را فتح کرده، نخستین شاه پارسی یا مادی است که به بابل دست انداخته است و پیش از او سابقه چنین جنگی میان دو ملت وجود نداشته است، اما باید توجه داشت که هرودوت که کتابش را در حدود سال ۴۴۰ پیش از میلاد نوشته است، می‌نویسد که بابل نخستین بار در زمان "کوروش" به دست سپاه پارسیان افتاد (بیکرمن، ۱۹۶۷: ۵۰).

در نتیجه منطقی به نظر می‌رسد که عامل این مناقشه را یک اشتباه تاریخی از سوی نویسنده کتاب دانیال نبی (ع) بدانیم. احتمالاً او ناخواسته گرفتار شهرت و نام بلند داریوش یکم هخامنشی شده و او را نخستین پادشاه این سلسله فرض کرده است، اما در شباهت "داریوش کتاب دانیال (ع)" با "داریوش یکم هخامنشی" نیز از سوی موافقان صحت این روایت سه

شاهد ارائه شده است: نخست اینکه داریوش یکم، مثل کوروش، در فتح بابل، خود شخصاً رهبری سپاه را بر عهده گرفت و در ۵۲۲ پیش از میلاد شهر بابل را فتح کرد؛ دوم اینکه نویسنده کتاب دانیال نبی (ع)، به داریوش به عنوان شخصی اشاره می‌کند که با ایجاد ساتراپی‌های قدرتمند، اوضاع مملکت را سر و سامان بخشید. چنانکه می‌دانیم، داریوش نیز به ایجاد این سامانه قدرتمند اداری در قلمرواش زبانزد است؛ سوم اینکه داریوش یکم هخامنشی، شخصیتی مهم و آشنا در ادبیات یهودیان است که نماینده قهر خداوند بر مردم بابل محسوب می‌شود.

بررسی نظریه‌های جدید

پژوهشگران معاصر هرکدام در روشن ساختن این موضوع حدس و گمانی را مطرح ساخته‌اند که شایسته است پیش از اظهار نظر در این باره، نخست به آنها نگاهی بیفکنیم:

۱. "اچ. اچ. راولی" که مبحث شناسایی داریوش در کتاب دانیال نبی (ع) را مهمترین و پیچیده‌ترین مشکل تاریخی این کتاب می‌داند، بر این عقیده است که عنوان "داریوش" در این کتاب در حقیقت جایگزین نام "کوروش" است که در پانزدهم اکتبر سال ۵۳۹ پیش از میلاد بابل را فتح کرد (راولی، ۱۹۵۹: ۱۵۸). او در بررسی نسخ خطی کتاب دانیال نبی دریافته است که چون واژه "داریوش" و واژه "کوروش" در زبان عبری بسیار شبیه به هم نوشته می‌شده است، احتمالاً اشتباه ناسخان در زمان نسخه‌برداری از کتاب این مشکل را موجب شده است.

کوروش: KWRS : کورش

داریوش: DRYWS : דריוש

هخامنشی به همان اندازه قابل اتکاست که استدلالات در رد آن.

در میان نظریاتی که تا به حال در مجامع علمی مطرح شده است، نظریه "راولی" قابل اتکاتر به نظر می‌رسد که می‌گوید به دلیل شباهت نوشتاری واژه "داریوش" و "کوروش" در زبان عبری، یکی از اولین نسخه برداران کتاب دچار سهو شده و این دو نام را به جای هم به کار برده است و متعاقب آن، دیگران هم که از روی آن رونویسی کرده و به خطا رفته‌اند.

اما مورخان تاریخ یهودیان بابل، چون "میلر" معتقدند که با توجه به اینکه شاهان بابلی اغلب دو عنوان رسمی داشته‌اند، کوروش را نیز در مقام شاه بابل با دو نام خطاب می‌کرده‌اند (میلر، ۱۹۹۴: ۱۴۹). اگر این عقیده را بپذیریم و عبارات کتاب دانیال نبی را با دقت بیشتری بررسی کنیم، به نتایج جالبی می‌رسیم. عبارتی در فصل ششم، - بند بیست و هشتم کتاب دانیال نبی (ع) آمده که همواره چنین ترجمه شده است: "پس دانیال در زمان سلطنت داریوش و سلطنت کوروش پارسی کامکار شد". اما ترجمه صحیح این جمله در لغت عبری چنین است: "پس دانیال در زمان سلطنت داریوش که همان سلطنت کوروش پارسی است کامکار شد". در نتیجه، یک نظریه دیگر می‌تواند این باشد که "کوروش" لقبی هم با عنوان "داریوش" در میان اهالی بابل داشته است. این نظریه با این سند تقویت می‌شود که کوروش در اسناد تاریخی توسط "نبونید" (Nabonidus) با لقب "مادی" خطاب شده است. این لقب مشابه عنوانی است که برای "داریوش" در کتاب دانیال نبی آمده است. می‌توان احتمال داد یهودیان برای مشخص ساختن نام "داریوش" به عنوان لقب "کوروش" و شخص داریوش یکم هخامنشی، از "کوروش" به عنوان "داریوش مادی" یاد می‌کرده‌اند.

در نتیجه، تعجبی نیست به دلیل شباهت زیاد این دو واژه در آن زبان، این دو به جای یکدیگر به کار رفته باشند.

۲. "جان وایتکومب" داریوش را در کتاب دانیال نبی (ع) عنوانی برای "گئوروه"، فرمانروای "گوتیوم (Gutium)" می‌داند (وایتکومب، ۱۹۵۹: ۶۲). این شخص احتمالاً همان کسی است بر اساس سانامه نبونید محرک اصلی کوروش و راهنمای او در تسخیر بابل بوده است که پس از فتح آن به فرمانروایی بر آن شهر منصوب می‌شود (نک: بریان، ۲۰۰۲: ۴۲). دلیل ادعای او نخستین ترجمه کتاب دانیال نبی (ع) است که زمان پادشاهی "داریوش مادی" بر بابل را در زمان سلطنت "کوروش" می‌داند (دانیال، فصل ۶: بند ۲۸).

۳. "سینسلوس" عنوان داریوش کتاب دانیال نبی (ع) را لقبی برای "آستیاگس"، آخرین پادشاه ماد - که توسط کوروش سرنگون شد- می‌داند (هارتمن، ۱۹۹۰: ۱۰). این نظریه بر منابع "ظلموط" و "مدرش" استوار است که "داریوش" را پدرزن "کوروش" عنوان کرده‌اند. در آنجا آمده که پس از مرگ "داریوش"، "کوروش" عهده دار تاج و تخت ماد می‌شود.

۴. چند محقق قدیمی مانند "کالوین" (Calvin)، "اوشر" (Ussher) و "جان گیل" (John Gill) و چند محقق جدید از جمله "کیل" (Keil) و "دلیچ" (Delitzsch)، داریوش این کتاب را همان "هوخشتره"، پادشاه ماد، می‌دانند (نک: گاستون، ۲۰۰۹: ۱۸).

در نتیجه، باید گفت که با اطلاعاتی که فعلاً در اختیار دانشمندان است، هیچ اظهار نظری حتی در بیان یقین به اینکه داریوش این کتاب حقیقتاً "شخصیتی تاریخی" است، قابل دفاع به نظر نمی‌رسد. از سویی، اگر او را شخصیتی تاریخی فرض کنیم، دلایل و شواهد مطابقت داریوش کتاب دانیال با داریوش یکم

صفت "مادی" بازمانده دورانی است که ماده‌ها، نزدیکترین قوم آریایی از سوی بابل‌ها محسوب می‌شدند و آنها تمام اقوام آریایی را تحت نام "مادی" که برایشان آشناتر بود، خلاصه می‌کردند. همچنین می‌دانیم که کوروش همسری مادی داشته و نیز از مادری مادی زاده شده است (نک: میلر، ۱۹۹۴: ۱۴۹).

مسأله دوم: چهار پادشاه پارسی

در کتاب دانیال (فصل ۱۱. بند ۲-۴) آمده است که جبرئیل به دانیال (ع) الهام کرد که پیش از آمدن اسکندر، چهار شاه پارسی به سلطنت خواهند رسید (والوورد، ۱۹۸۹: ۲۴). جبرئیل به دانیال می‌گوید: "و اکنون سه واقعت را برای تو فاش می‌سازم. نگه کن: سه پادشاه در پارس ظهور خواهند کرد؛ و چهارمی از همه غنی تر خواهد بود؛ او با ثروتش بر یونان می‌تازد. سلطانی نیرومند بر می‌خیزد که با اقتدار و مطابق میل خویش حکمرانی خواهد کرد. وقتی او سقوط می‌کند، پادشاهی‌اش در هم می‌شکند و میان چهار باد آسمانی تقسیم می‌شود" (فصل ۱۱. بند ۲-۴). از آنجا که بنا بر شهادت همین این کتاب، حضرت دانیال در زمان سقوط بابل (۵۳۶ ق.م.) می‌زیسته و با توجه به این واقعت که اسکندر در سال ۳۳۳ ق.م. هخامنشیان را سرنگون کرد، این روایت کتاب نیز محل مجادله دانشمندان بسیاری قرار گرفته است، زیرا در تاریخ هخامنشیان، کوروش، کمبوجیه، داریوش، خشایارشا، اردشیر یکم، داریوش دوم، اردشیر دوم، اردشیر سوم و داریوش سوم در این بازه زمانی قرار می‌گیرند (وایزمن، ۱۹۶۵: ۶۴).

می‌توان حدس زد که نویسنده کتاب دانیال، از روایت عهد عتیق استفاده کرده که در آن به این چهار شاه "مهمتر" و "برجسته‌تر" هخامنشی (و نه تمام آنها)

چنین اشاره کرده است: کوروش (عزرا، فصل اول. بند اول)، داریوش یکم (عزرا، فصل ۴. بند ۵)، خشایارشا (با تلفظ "أَخْشَوْرُش" عزرا، فصل ۴، بند ۶) و اردشیر یکم (عزرا، فصل ۴، بند ۷)، ولی نویسنده کتاب دانیال نبی (ع) واژه "مهمتر" و یا "برجسته‌تر" را سهواً از قلم انداخته‌اند. باید گفت که این بار اشتباه نه از سوی نسخه بردار؛ که از طرف نویسنده سر زده است.

نتیجه

منابع یهودی و مسیحی در مقام یکی از پلهای ارتباطی میان مورخان و جهان باستان، حامل گنجینه‌ای غنی از اطلاعات تاریخی دوره ایران باستان هستند، اما داده‌های تاریخی این منابع بهتر است پیش از به کارگیری به عنوان ماده خام پژوهش‌های تاریخی مورد واکاوی و بازنگری جدی قرار گیرد.

ماجرای "داریوش مادی" و چند پادشاه دیگر هخامنشی در کتاب حضرت دانیال نبی از جمله مواردی است که بدون مذاقه و صرف وقت کافی در بازشناسی آن، مورخ را گاه به خطا برده، نتایج نادرستی برای وی حاصل می‌کند. در این تحقیق، پژوهشگر کوشید اشتباه سهوی و یا عمدی نویسنده کتاب دانیال نبی (ع) و یا اشتباه ناسخان آن را مایه پیچیدگی و چندگانگی نتایج حاصل از بررسی‌های تاریخی حول محور شخصی که به نام "داریوش" در این کتاب آمده معرفی کند و معتقد است که می‌توان شخصیت "داریوش مادی" را تا حدود زیادی نزدیک به "کوروش هخامنشی" دانست و اشاره به چهار پادشاه مادی را اشتباه ناسخ در رونویسی از "تورات" خواند.

محقق مصرّاً بر این باور است که علی‌رغم جنجالی بودن بحث اوصاف پادشاهان ایرانی در کتب مقدس یهودی و مسیحی در مجامع جهانی تاریخ و با وجود

6. Hartman, Louis F. (1990). In accompany with Alexander A. Di Lella, "Daniel," in Raymond E. Brown, The New Jerome Biblical Commentary.
7. Miller, Stephen, R. (1994). *Daniel* in New American Commentary, 18. Nashville: Broadman and Holman.
8. Rowley, H.H. (1959). Darius the Mede and the Four World Empires in the Book of Daniel. University of Wales Press.
9. Towner, W. Sibley (1993). "Daniel," in The Oxford Companion to the Bible. Oxford.
10. Walvoord, John F. (1989). Daniel: The Key to Prophetic Revelation. Oxford.
11. Wiseman, D.J. (1965.) Notes on Some Problems in the Book of Daniel. London.

تلاشهای انجام شده، نتایج قلیل خبر از این دارد که ما هنوز در ابتدای راه بازشناسی عناصر تاریخی کتب مقدس قرار داریم و شواهد پنهان و رازهای سر به مهر تاریخ ایران هنوز چشم انتظار نگاه باریک بین پژوهشگران این عرصه‌اند.

منابع

1. Bickerman, E. J. (1967). Four Strange Books of the Bible. Oxford University Press.
2. Briant, Pierre. (2002). From Cyrus to Alexander. Translated by Peter Danielsparis. Paris.
3. Collin, John J. (1992). "Book of Daniel," Anchor Bible Dictionary 2. London.
4. Collin, John J. (1993). Daniel: A Commentary on the Book of Daniel. London.
5. Gaston, T. E. (2009). Historical Issues in the Book of Daniel. Oxford.

